

به نام خداوند همه مهر مهر ورز

درس ششم: علی علیه السلام، وارث جمیع علوم پیامبر صلی الله علیه و آله

بررسی شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام

مَعَاشِرَ النَّاسِ، (فَضْلُوهُ.) مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ، وَ كُلُّ عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ عُلِّمْتُهُ عَلِيًّا، وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ (الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ).

آنچه در جانشینی پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و البته نیابت هر کس دیگر معقول است و عقل فطری هم به آن حکم می دهد شباهت هرچه بیش تر نائب با منوب عنه است. شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه ی طاهرین علیه السلام را از سه منظر می توان بررسی کرد: اخلاق (شامل اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی)، علم و قدرت. به عبارت دیگر این سه مؤلفه هایی هستند که در مطالعه ی شخصیت حضرت رسول و ائمه ی اطهار، علیهم السلام، می توان سراغ گرفت.

اخلاق و رفتارهای فردی شامل رفتار انسان با خود، تعامل با محیط اطراف، رفتار با اجتماع و ارتباط با خداوند یا عبادت است و اخلاق اجتماعی چگونگی رفتار انسان با مردم است و روابط اجتماعی، اداری و مالی. هم چنین اخلاق در معاملات و عبادات نیز وجود دارد که اخلاق در عبادات شامل عبادت های فردی و جمعی می شود. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تبیین امر ولی و ولایت، وصایت و وصی، خلافت و خلیفه، امامت و امام و وراثت و وارث مفصلاً مشخصه های اعتقادی، رفتاری و عملی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان کرده اند. در این میان علم و قدرت و ویژگی های عمده ای هستند و مهم تر بین این دو همانا علم است؛ چرا که علم در علوم و هبیبی عین قدرت است و توأمان قدرت را با خودش همراه می دارد. به همین خاطر تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر مسأله ی علم خیلی بیش تر است و در **خطابه** ی روز غدیر مخصوصاً پیرامون علم امیرالمؤمنین علیه السلام صحبت کرده اند و درباره ی سه گونه ی علوم ایشان سخن گفته اند؛ یکی علم به شکل عام و آنچه ما معمولاً دانش می گوییم، دوم علم تفسیر قرآن و سوم علم حلال و حرام.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امام‌المتقین را محل نزول اجلال علم بی‌پایان ولی و نبی می‌دانند. جایگاه دیگری که ایشان برای علم کامل و همه‌جانبه بر می‌شمرند الامام‌المبین است که در حقیقت ترجمه‌ی دیگری است برای همان امام‌المتقین؛ با این تفاوت که امام‌المتقین ترکیب اضافی است و در آن امام به متقین اضافه شده و متقین به دنبال امام هستند اما الامام‌المُبین ترکیب وصفی است و مبین صفت برای امام آمده است. در عبارت الامام‌المُبین دو کلمه صفت و موصوف هستند و هردو الفولام دارند.

امام مبین

این جا نکته‌ی خیلی ظریف و مهم آن است که الامام‌المُبین یعنی محل فرود علم کلی الهی که وهبی است؛ علمی که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام رسیده است. الامام به معنای پیشوای خاص است و صفت‌اش المبین که اسم فاعل است.

الامام‌المُبین یعنی امامی که هم خودش نور است و هم نیر و نوردهنده است. وقتی چیزی نیر است به طریق اولی باید خودش هم نور باشد. نور، چنان که تعریف‌اش کرده‌اند، الظَّاهِرُ بِذَاتِهِ وَ الْمُظْهِرُ لِغَيْرِهِ است. یعنی خودش ذاتاً روشن است و غیر خودش را نیز روشن می‌کند. امام هم‌او است که به غیر خودش نور می‌تاباند و غیر خودش را روشن می‌کند. این روشن کردن و نور تاباندن هم به لحاظ تکوینی است و هم به لحاظ تشریحی و تبلیغی.

جنبه‌ی تکوینی در مُنیر بودن امام یعنی این که نورانیت وجود دیگران به وسیله‌ی نورانیت وجود امام است. در روایات هم به این مسأله اشاره شده و آمده است که خداوند متعال از نور عظمت خودش در مقام مشیت نور رسول‌الله صلی الله علیه و آله را مشتق کرد و سپس نور امیرالمؤمنین علیه السلام و بعد نور حسنین را تا بقیه‌ی معصومین، علیهم‌السلام، و بعد الباقی مراتب خلقت. پس وقتی می‌گوییم امیرالمؤمنین علیه السلام الامام‌المُبین است یعنی از وجود نورانی‌اش و نوری که در وجود و هستی خودش دارد به دیگران داده است. یکی از مباحث پایه‌ای فلسفه و عرفان همین است که آن‌ها را که معرفی می‌کنند نور وجودشان مُفَیِّضِ نَورِ بر بقیه‌ی مخلوقات است. ایشان در سه جزء نور، روح و جسم واسطه‌ی فیض بین خداوند و مردم هستند و نوری که در عموم مخلوقات هست همان نوری است که از پیغمبر صلی الله علیه و آله و امامان علیه السلام سرچشمه گرفته است. هم‌چنین در کتاب‌های حدیث فصل‌های گسترده‌ای پیرامون خلقت نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی اطهار علیه السلام آمده است و این که حتی نور وجود فرشتگان، بهشت، زمین و آسمان از وجود نورانی آن بزرگواران

آفریده شده است. **الامام المبین** نور است و نور می تاباند و این تابندگی اش به خاطر اشتقاق در آفرینش است. روایاتی که به این معنا اشاره کرده اند در قسمت **سما و العالم** و در قسمت خلقت نوری پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیه السلام در کتب حدیث و منابع روایی آمده اند.

روایتی هست که می فرماید **أَوَّلُ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ نَوْرَ نَبِيِّكَ** و روایت دیگری که **خَلَقَ اللَّهُ أَشْيَاءَ بِالْمَشِيَّةِ**. خداوند اشیا را به نور مشیّت آفریده است و مشیّت وجود نورانی خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله است. اما جنبه ی تشریحی و اکتسابی نور علمی است که امام به مردم یاد می دهد.

چندان که امام علوم حلال و حرام و احکام و مسائل فقه را به مردم می آموزد و درباره ی علوم فیزیک، طبیعیات، پزشکی و نجوم و هیأت به ایشان آموزش می دهد می شود **الامام المبین**. پس امام به خاطر نورانیت و تابناکی اش می شود الامام المبین و نوری که می تاباند و روشنی می کند یکی نور تکوینی است و یکی نور تشریحی. نور تکوینی به واسطه ی مراتب آفرینش است و نور تشریحی همان است که امام در اثر بیان و آموزش و گفتار و آثاری که در میان مردم دارد به آنها می تاباند.

لذا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام **الامام المبین** است و وقتی که **الامام المبین** است ظرفیت گیرایی همه ی علوم را دارد.

وَ كُلِّ عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ .

این مبین هم صفت امام است و هم صفت هرچیز که در امام احصا شده است. **الامام المبین** دارای تمام علوم است و بر دیگران فضیلت دارد.

او حق است و سوای او بقیه باطل اند. رابطه ی بین حق و باطل منفصله ی حقیقیه است؛ مثل این که يك عدد یا زوج است یا فرد.

یعنی اگر عددی زوج باشد فرد نیست و اگر فرد باشد زوج نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام حق است و غیر از ایشان همه حق نیستند و باطل اند.

هرچیز اگر حق نباشد پس باطل است و اگر باطل نباشد پس حق است؛ **فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقُّ إِلَى الظلال**. غیر از حق به جز گمراهی چیست؟ پس امیرالمؤمنین علیه السلام حق است؛ **قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ**، و بقیه باطل هستند و البته که جمع بین حق و باطل هرگز ممکن نیست.

خلاصه درس ششم:

۱. عقل فطری بر شباهت هر چه بیش‌تر نائِب و منوب عنه حکم می‌کند.
۲. شخصیت پیشوایان و الگوهای دینی ما (پیامبر و ائمه) را سه پایه اصلی تشکیل می‌دهند: اخلاق (فردی و اجتماعی)، علم و قدرت
۳. در دروس قبل نشان دادیم علوم وهبی عین قدرت است. در نتیجه علم از اخلاق و عصمت مهم‌تر است و بیش‌تر مورد تأکید پیامبر - در **خطابه** - قرار گرفته است. پیامبر، بحث علم امیر مؤمنان را ذیل سه عنوان «علم و دانش»، «تفسیر قرآن» و «علم حلال و حرام» مطرح می‌کنند.
۴. علم و دانش: پیامبر اکرم، امیر مؤمنان را با عناوین مختلفی معرفی می‌کنند: **امام المتقین** «را محل نزول علم بی‌پایان ولی و نبی می‌خوانند؛ امیر مؤمنان را» **الإمام المبين** «می‌نامند که به معنی محل فرود علوم کلی الهی است.
۵. **الامام المبين** یعنی امامی که هم خودش نور است و هم نور ساطع می‌کند؛ چه تکوینی، چه تشریحی و تبلیغی. **الامام المبين**، ظرفیت گیرایی تمام علوم را دارد". **وَ كُلِّ عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ عُلِّمْتُهُ عَلِيًّا وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَسُّو وَ كُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي الْإِمَامِ الْمُبِينِ؟**
۶. تکوینی یعنی نورانیت وجود دیگران به واسطه امام است. پیرامون خلقت نورانیت پیغمبر و ائمه علیهم السلام و اینکه حتی نور وجود بهشت، فرشتگان، زمین و آسمان از نور وجود آنها آفریده شده است فصول مفصلی در کتابهای حدیثی داریم». **أَوَّلُ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ نُورَ نَبِيِّكَ** «و روایت دیگر **«خَلَقَ اللَّهُ أَشْيَاءَ بِالْمَشِيَّةِ**. «خداوند اشیاء را به نور مشیت آفریده است، و مشیت وجود نورانی خاتم الانبیاء صلی الله علیه و اله و سلم است.
۷. نور تشریحی نوری است که امام با بیان و گفتار به مردم آموزش می‌دهد. تکوینی به خلقت و آفرینش برمی‌گردد؛ اما تشریحی به راهنمایی‌ها و حیطةی اختیار بندگان برای رهروی
۸. امام حامل همه‌ی علوم است و در نتیجه بر دیگران رجحان دارد و حق است. نسبت بین حق و باطل مانند عدد زوج و فرد است؛ اگر عددی زوج باشد، فرد نیست و بالعکس. امام حق است و همه غیر از امیر مؤمنان غیر حق‌اند و بالتبع باطل.